



ظهور امام زمان (عج) نیازمند دعا است، اما قیام منجی نیاز به تهذیب نفس دارد

قیام امام زمان (عج) فرآیندی است که پس از ظهور آغاز می‌شود و هدف آن برچیدن بساط ظلم و استقرار عدالت در سرتاسر گیتی است.

قیام امام زمان (عج) فرآیندی است که پس از ظهور آغاز می‌شود و هدف آن برچیدن بساط ظلم و استقرار عدالت در سرتاسر گیتی است.

به گزارش خبرنگار مهر، در الهیات شیعی و آموزه های مهدویت، واژگان بار معنایی خاص خود را دارند و خلط میان آن ها می تواند درک صحیح از دوران آخرالزمان را دچار اختلال کند. دو کلیدواژه «ظهور» و «قیام» اگرچه در یک راستا و مکمل یکدیگرند، اما از منظر کلامی، کارکردی و زمانی تفاوت های بنیادینی دارند که شناخت آن ها برای منتظران ضروری است.

ظهور در لغت به معنای آشکار شدن پس از پنهان بودن است. در ادبیات مهدوی، ظهور به لحظه ای اطلاق می شود که حضرت مهدی (عج) از پرده غیبت بیرون آمده و وجود مقدسشان برای همگان عیان می گردد. طبق آموزه های دینی، ظهور امری «دفعی» و ناگهانی است. در روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، وقت ظهور به «ساعت» (قیامت) تشبیه شده است که جز خداوند کسی از زمان دقیق آن آگاه نیست و به صورت «بغته» یا ناگهانی رخ می دهد.

نکته ظریف در این میان، تفاوت میان «حضور» و «ظهور» است. امام زمان (عج) در دوران غیبت نیز در میان مردم حضور دارند، در مراسم ها شرکت می کنند و بر احوال شیعیان ناظرند، اما هویت ایشان «ظاهر» نیست. بنابراین، ظهور به معنای پایان یافتن این ناشناختگی و اعلام رسمی حضور ایشان در جهان است. ظهور را می توان به طلوع خورشید تشبیه کرد؛ همان طور که با طلوع آفتاب، تاریکی شب به یک باره می شکند، با ظهور نیز عصر غیبت کبری خاتمه یافته و چشم جهان به جمال منجی روشن می شود. این مرحله بیشتر جنبه «ارائه طریق» و اعلام موجودیت الهی دارد تا همگان بدانند وعده حق محقق شده است.

قیام؛ نهضت اصلاحی و تغییر ساختار جهان

در مقابل، «قیام» مفهومی عملیاتی، تدریجی و اجتماعی است. اگر ظهور را به معنای آشکار شدن بدانیم، قیام به معنای «ایستادن برای تغییر» است. قیام امام زمان (عج) فرآیندی است که پس از ظهور آغاز می شود و هدف آن برچیدن بساط ظلم و استقرار عدالت در سرتاسر گیتی است. برخلاف ظهور که امری ناگهانی است، قیام بر اساس سنت های الهی و با تکیه بر اسباب و مقتضیات اجتماعی پیش می رود.

قیام حضرت از مسجدالحرام آغاز می شود، اما بلافاصله پس از ظهور نیست. طبق روایات، پس از آنکه حضرت در مکه ظهور کردند و ۳۱۳ یار خاص ایشان در طرفه العینی گرد ایشان جمع شدند، حضرت مدتی را در مکه توقف می کنند تا یاران عام (حلقه دوم که حدود ده هزار نفر ذکر شده اند) به ایشان پیوندند. اینجاست که تفاوت کالبدی قیام مشخص می شود؛ قیام نیازمند «عده و عثه»، کادرسازی و همراهی توده های مردم است. قیام یک حرکت نظامی، فرهنگی و سیاسی وسیع است که از مکه آغاز شده، به مدینه می رسد، در کوفه مرکزیت می یابد و تا قدس شریف و اقصی نقاط عالم گسترش پیدا می کند. در واقع، قیام همان «فعل» امام برای تحقق آرمان «یملأ الارض قسطاً و عدلاً» است.

یکی از اساسی ترین تفاوت ها در این است که ظهور «شرط» نمی خواهد، بلکه «وقت» می خواهد که تنها در ید قدرت الهی است، اما قیام کاملاً مشروط به آمادگی یاران و پذیرش اجتماعی است. ظهور ممکن است در هر لحظه ای رخ دهد (انتظار فرج در هر صبح و شام)، اما برای وقوع قیام، باید زیرساخت های لازم فراهم باشد. اگر یاران مخلص و پای کار وجود نداشته باشند، ظهور رخ می دهد اما قیام به پیروزی نهایی منجر نمی شود یا با موانع جدی روبرو می گردد. از این رو، وظیفه منتظران بیش از آنکه برای «ظهور» باشد، باید معطوف به «قیام» باشد؛ یعنی آماده کردن خود برای سربازی در نهضتی که قرار است ساختارهای فاسد جهانی را دگرگون کند.

در تحلیل تفاوت این دو، جغرافیا نیز نقش پررنگی دارد. محل وقوع ظهور، مکه و در کنار کعبه است؛ جایی که حضرت با تکیه بر رکن و مقام، ندای مظلومیت اسلام را به گوش جهانیان می رسانند. اما جغرافیای قیام، کل کره زمین است.

ارتباط میان آمادگی فردی و اجتماعی

تفاوت ظهور و قیام در وظایف منتظران نیز تبلور می یابد. کسی که منتظر ظهور است، چشم به راه یک معجزه و رخداد قدسی است تا امامش را ببیند، اما کسی که منتظر قیام است، در حال تمرین نظامی، اخلاقی و تشکیلاتی است. ظهور نیازمند «دعای فراوان» است، اما قیام نیازمند «تهذیب نفس و ایثار» در مقام عمل است.

در اندیشه مهدوی، تاکید بر این است که جامعه اسلامی نباید تنها درگیر علائم ظهور (نشانه های فیزیکی) باشد، بلکه باید به دنبال تحقق شرایط قیام باشد. علائم ظهور مانند صیحه آسمانی یا خروج سفیانی، نشانه هایی هستند که دست ما نیستند، اما شرایط قیام مانند بصیرت دینی، وحدت مسلمین و قدرت نظامی-فرهنگی، اموری هستند که بر عهده امت گذاشته شده است. ظهور، اتمام حجت خدا بر بندگان است و قیام، پاسخ بندگان صالح به فراخوان خداست.

در نهایت باید گفت که ظهور و قیام، دو روی یک سکه در طرح عظیم الهی برای نجات بشریت هستند. بدون ظهور، قیامی صورت نمی گیرد و بدون قیام، هدف از ظهور (که هدایت و اجرای عدالت است) ابتر می ماند. ظهور، «فصل تماشای» و قیام، «فصل پیکار» است. درک این تفاوت به انسان منتظر کمک می کند تا بداند فرج حضرت تنها یک اتفاق تقویمی نیست، بلکه یک تحول عظیم ساختاری است که آمادگی برای آن، سنگین ترین مسئولیت بر دوش تاریخ است. ما با دعا برای ظهور، از خدا می خواهیم که پرده را کنار بزند، و با تلاش برای قیام، به امام ثابت می کنیم که در روز سخت نبرد، او را تنها نخواهیم گذاشت.